



یادداشت

محمد ولیان پور

خون‌شویی در کاخ سفید

«شما از کسی نام بردید که بسیار بحث‌برانگیز بود و بسیاری از مردم از او خوششان نمی‌آمد؛ چه او را دوست داشته باشید و چه نداشته باشید! حالا اتفاقی افتاده است، اما بن‌سلمان چیزی در مورد آن نمی‌دانست؛ می‌توانیم همین جا تمامش کنیم... لازم نیست با پرسیدن چنین سؤالی میهمان ما را شرمندہ کنید!». این‌ها جملات دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا است که دیروز در کاخ سفید میزبان بن‌سلمان، ولیعهد سعودی بودو در پاسخ به خبرنگاری که از جنایت‌بن‌سلمان در قتل خاشقچی پرسیده‌بود، ابتدا لقب‌فیک‌نیوز را به او دادو بعد هم گفت به ولیعهد عربستان به دلیل کارهایی که در زمینه حقوق بشر انجام داده افتخار می‌کند.

«جمال خاشقچی» روزنامه‌نگار منتقد سعودی بود که هفت سال پیش در کنسولگری این کشور در ترکیه به‌قتل رسید؛ با تزریق بیش از حد داروی آرام‌بخش و سپس تکه‌تکه کردن جسدش تا بدون دردسر از کنسولگری خارج شود.

حالا ترامپ ادعا می‌کند بن‌سلمان اطلاعی درباره قتل خاشقچی نداشته‌است، در حالی که در همان سال این دستگاه اطلاعاتی آمریکا در دولت اول ترامپ بود که فاش کرد ولیعهد سعودی مستقیماً دستور قتل او را داده‌است!

هر چند ترامپ در زمان قتل خاشقچی هم به دلیل سرمایه‌گذاری‌های هنگفت عربستان سعودی در ایالات متحده خواستار چشم‌پوشی از این ماجرا شده بود، ولی رسانه‌ای شدن این جنایت، چهره‌ای منفور از بن‌سلمان ساخته بود که در سال‌های گذشته مانع حضور او در بسیاری از کشورهای غربی از جمله آمریکا می‌شد.

حالا پس از هفت سال ولیعهد عربستان سعودی در کنار ترامپ نشسته تا سحر کاخ سفید، اتاق بیضی‌اش را به حمام خون‌شویی تبدیل کند و سرمایه دموکراسی و حقوق بشرش را به پای دفاع از او بریزد. در حالی که چشم‌هایش بر زمین دوخته شده و دست‌هایش با اضطراب در هم می‌پیچند تا دستان مکبث در ترازوی شکسپیر را به یاد آورند. کسی که تلاش وسواس‌گونه‌ای داشت تا دست‌های آلوده به خونش را بشوید و با توسل به ساحران از عذاب وجدان رها شود؛ اما در نهایت این جنون جنایت بود که رهایش نکرد.

اما معادلات ثروت و قدرت در مهد دموکراسی و حقوق بشر آن قدر ارزش دارد که نه تنها پرونده نامدین قتل یک خبرنگار، بلکه اعدام هزاران منتقد سعودی و سرکوبش‌ن در عربستان نیز مانعی در مقابلش نباشد. بن‌سلمان هم با وجود کسری بودجه شدید و تعلیق پروژه‌های بلندپروازانه‌اش، قول می‌دهد سرمایه‌گذاری عربستان در آمریکا را از ۶۰۰ میلیارد دلار به یک تریلیون دلار افزایش دهد و روند عادی‌سازی روابط با اسرائیل را سرعت بخشد.

کسی که شیوخ نفتی را به شکل تپه پول می‌بیند و کشورهایشان را به گو شیرده اقتصاد آمریکا تشبیه می‌کند، متاع حق‌نکار، بلکه اعدام می‌تواند به قیمت مناسبی بفرودشد. همان‌طور که هفته پیش برای تروریست تحت تعقیب آمریکا با جایزه ۱۰ میلیون دلاری فرش قرمز پهن کرد تا نام جولانی را در برابر خوش خدمتی‌هایش از فهرست تروریستی پاک کند.

حباب‌های حقوق بشر غربی البته مدت‌هاست که پی‌درپی می‌ترکد و چنین حباب‌هایی جز کودکان بازگوش عرصه سیاست را به وجد نمی‌آورد. این جنایت‌ها در برابر تجاوزهایی آمریکا به کشورهای مختلف به اسم صدور دموکراسی، دفاع از حقوق بشر، مبارزه با تروریسم و... به‌ویژه هستمی با اشغال و نسل‌کشی توسط اسرائیل رقیمی نیست؛ اما خون‌شویی نامدین بن‌سلمان در کاخ سفید نشان داد دیگر حتی حفظ‌ظاهر هم اهمیتی ندارد و حالا چهره غرب را با شفافیت بیشتری می‌توان به‌نظره نشست.

جهانی بودن پیام انقلاب، طبیعی بود که دشمنی‌های گسترده را نیز به دنبال داشته باشد؛ دشمنانی که از همان ماه‌های نخست، با همه توان در برابر ایران صف کشیدند. چند هفته پس از حادثه ۱۳ آبان ۵۸، رفتار آمریکا ماهیت آشکارتر و تهاجمی‌تری پیدا کرد. در آن روزها برخی گمان می‌کردند امام خمینی (ره) برای جلوگیری از تهدیدها، به سمت شوروی متمایل خواهد شد، اما امام (ره) با همان صلابت همیشگی، تکیه‌گاه اصلی خود را مردم و اقتدار ملی قرار دادند و فرمان تاریخی تشکیل بسیج را صادر کردند. تصمیمی که تنها یک سال بعد، در کوران جنگ تحمیلی، اهمیت و دوراندیشی آن برای همگان نمایان شد و بسیج به‌عنوان نیرویی خودجوش، مردمی و

با وجود ژست‌های صلح‌طلبانه ترامپ

کارشناسان معتقدند زیاده‌خواهی‌های آمریکا رسیدن به توافق را دور از دسترس کرده است

اداهای آمریکایی



مذاکره اصلی که مطرح است، بر اساس خطوط کلی رهبر معظم انقلاب خواهد بود. ما با مذاکراتی که به معنای دیکته کردن و تحمیل باشد مخالفیم و این موضع بسیار روشن و شفاف است

سیدحسین حسینی | همزمان با تشدید گمانه‌زنی‌ها درباره آینده روابط تهران- واشنگتن، اظهارات تازه سیدکمال خرازی، رئیس شورای راهبردی روابط خارجی، بار دیگر معادله مذاکرات را از سطح «نمایش‌های رسانه‌ای آمریکا» به زمین واقعیت‌های حقوقی و سیاسی بازگرداند. خرازی در گفت‌وگو با شبکه سی‌ان‌ان تأکید کرد: هر گونه مذاکره با آمریکا تنها زمانی معنا دارد که اصل برابری، احترام متقابل و تعیین دستور کار شفاف پیش از آغاز گفت‌وگو رعایت شود؛ اصولی که واشنگتن در سال‌های گذشته بارها از آن فاصله گرفته‌است.

اما در سوی مقابل، کاخ سفید مسیر دیگری را دنبال می‌کند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا در دیدار محمد بن‌سلمان، ولیعهد عربستان سعودی با تکرار ادعاهای نخنما درباره برنامه هسته‌ای ایران مدعی شد دولتش ظرفیت هسته‌ای ایران را نبود کرده و ایرانی‌ها بسیار مایل به توافق هستند، حتی اگر در ظاهر چیز دیگری بگویند. اظهاراتی که بیش از آنکه به واقعیت میدان دیپلماسی تکیه داشته باشد، ادامه همان رویکرد فشار و فضا سازی رسانه‌ای است که واشنگتن برای تحمیل خواسته‌های خود دنبال می‌کند.

در چنین فضایی، روزنامه قدس در گفت‌وگو با دو تن از کارشناسان مسائل آمریکا و یک دیپلمات پیشین کشورمان تلاش کرده افق واقعی پیش روی هر گونه مذاکره احتمالی را بررسی کند؛ اینکه شرایط امروز چه تصویری از آینده می‌سازد و آیا امکان بازگشت به میز مذاکره، با معیارهایی که ایران تعیین کرده، اصلاً وجود دارد یا نه.

پیام‌ها در جریان، اما توافق دور از دسترس

امیرعلی ابوالفتح، کارشناس ارشد مسائل آمریکا در گفت‌وگو با روزنامه قدس درباره آخرین وضعیت مذاکرات ایران و آمریکا اظهار کرد: تا آنجایی که اطلاعات آشکار حکایت دارد، وضعیت فعلی صرفاً بازی با کلمات و مواضع است. آمریکای گوید ایران

نیاید غنی‌سازی داشته باشد و ایران هم اعلام کرده شروط آمریکا را نمی‌پذیریم. واقعیت این است که در میدان، هیچ چیز تغییر نکرده است و صرفاً هر کدام از طرفین با ادبیات متفاوتی صحبت می‌کنند.



وی تصریح کرد: ایران از منظر مواضع همیشگی صلح‌طلبانه‌اش، به دنبال توافق است و این امری طبیعی است. اصلاً اینکه ایران دنبال توافق باشد، چیز عجیبی نیست، اما توافقی که هم شامل غنی‌سازی ایران باشد و هم موضوع موشکی را پوشش دهد.

او درباره شایعه انتقال نامهای از سوی آقای پزشکیان به ترامپ توسط بن‌سلمان گفت: این موضوع مربوط به روابط دو جانبه و اطلاعات غیرعلنی است و بسیار بعید به نظر می‌رسد. مذاکرات ایران طبق گفته آقای عراقچی در زمان جنگ هم از طریق کانال‌های تعریف شده انجام می‌شده است؛ چنان‌که اعلام شد پیام‌هایی با ویتکاف رد و بدل می‌شده. در این فضا، نیازی نیست که پیام‌مثلاً در قالب یک نامه در اختیار بن‌سلمان قرار گیرد.

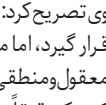
ابوالفتح در پاسخ به اینکه آیا همزمانی این خبر با مذاکرات ایران صحت دارد، افزود: فرض بر صحبت مقامات کشورمان است که اعلام کرده‌اند هیچ ارتباطی بین این دو موضوع وجود نداشته، شاید همزمانی هم اتفاق افتاده اما این تأثیری بر روند مذاکرات ندارد.

این کارشناس ارشد مسائل آمریکا در مورد آینده مذاکرات ایران و آمریکا تصریح کرد: ما مذاکره رسمی نداریم و حتی وقتی

ایران می‌گوید مذاکره نمی‌کنم، این یک تکنیک مذاکراتی است. ارسال پیام‌ها الزام‌ناپذید از طریق سفارت سوئیس باشد. همین که ترامپ سخنرانی می‌کند، رهبری معظم صحبت می‌کنند، وزیر خارجه ایران مصاحبه می‌کند، همه این‌ها یعنی پیام رد و بدل می‌شود. او اظهار کرد: هدف اصلی رسیدن به توافق است. اینکه گفته‌شود ایران با آمریکا مذاکره می‌کند یا نمی‌کند، امر چندان قابل توجهی نیست. مذاکرات در حال انجام است، اما شیوه‌ها متفاوت شده‌اند؛ از شبکه‌های اجتماعی گرفته تا کانال‌های غیررسمی. اما تا وقتی زیاده‌خواهی‌های آمریکایی مطرح باشند، دستیابی به توافق بسیار دشوار است.

افق توافق روشن نیست

اما محمدجواد اخوان، کارشناس ارشد مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با روزنامه قدس درباره وضعیت مذاکرات ایران و آمریکا معتقد است: مذاکره اصلی که مطرح است، بر اساس خطوط کلی رهبر معظم انقلاب خواهد بود. ایشان به‌صراحت تأکید کرده‌اند با مذاکراتی که به معنای دیکته کردن و تحمیل باشد مخالفیم و این موضع بسیار روشن و شفاف است.



وی تصریح کرد: ممکن است ادبیات طرف مقابل مورد ارزیابی قرار گیرد، اما مواضع فعلی ترامپ نشان می‌دهد مذاکره، معقول و منطقی نیست. اومی‌گوید من به‌شامی‌گویم چه‌کار کنید که دقیقاً مصادق تحمیل است و با مفهوم مذاکره منطقی و عادلانه فاصله دارد. بنابراین هر چند مذاکره بسته نیست، اما

آنچه ترامپ مطرح می‌کند ماهیتاً تحمیلی است. این کارشناس مسائل بین‌الملل معتقد است: رهبر معظم انقلاب بحث مذاکره غیرمستقیم را مطرح کردند تا مانعی بر سر راه تحمیل طرف مقابل ایجاد شود. مذاکره مستقیم با شخصی مانند ترامپ یا نمایندگان تحمیلی او، به دلیل ماهیت تحمیل گرانه، قابل قبول نیست و شیوه غیرمستقیم به همین دلیل منطقی است.

اخوان در پاسخ به پرسشی درباره افق مذاکرات گفت: چشم‌انداز مثبت به شدت بستگی به میزان تمایل ترامپ دارد. او در حال حاضر پنج، شش پرونده بین‌المللی دارد که هیچ‌یک به نتیجه نرسیده‌است؛ از غزه، اوکراین، چین تا پرونده ایران. تنها زمانی ممکن است کوتاه‌باید که برای حل مشکلات خود نیاز داشته باشد و مجبور شود امتیازی بدهد، در غیر این صورت، موضع تحمیل گرانه او ادامه خواهد داشت و دستیابی به توافق نزدیک به واقعیت نیست.

وی تصریح کرد: بنابراین چشم‌انداز مذاکرات بسته نیست، اما موفقیت در دستیابی به توافق به شدت وابسته به تغییر موضع تحمیلی طرف مقابل است و در شرایط فعلی، افق روشنی برای توافق وجود ندارد.

برد موشکی خط قرمز است



سید جلال ساداتیان، دیپلمات پیشین کشورمان و کارشناس ارشد مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با روزنامه قدس به تحلیل وضعیت مذاکرات ایران و آمریکا پرداخت و تأکید کرد: خواسته‌های آمریکا از ابتدا مشخص بوده و ایران هیچ یک را نمی‌پذیرد. وی با اشاره به خواسته‌های ترامپ گفت: آمریکا خواسته است که ایران تسلیم محض باشد، غنی‌سازی هسته‌ای را متوقف کند، درباره مسائل منطقه‌ای گفت‌وگو کند و برد موشکی خود را کاهش دهد. این سه خواسته، خطوط قرمز ایران را نقض می‌کند. وی تصریح کرد: ایران تنها آماده گفت‌وگو درباره مسائل هسته‌ای است و غنی‌سازی داخلی و برد موشکی جزو خطوط قرمز کشور است. درباره مسائل منطقه‌ای نیز ایران تاکنون سکوت اختیار کرده است، نه اینکه مذاکره نکند و نه اینکه حتماً وارد مذاکره شود، بلکه منظر است روند تحولات منطقه مشخص شود.

او با اشاره به وضعیت برخی محورهای منطقه‌ای گفت: در سوریه، ایران دیگر کنترل گذشته را ندارد و لبنان نیز با مشکلات داخلی و فشارهای اسرائیل و دولت لبنان روبه‌رو است. الحشد الشعبی عراق نیز تحت فشار آمریکا برای ادغام در ارتش عراق قرار دارد. این شرایط موجب شده ایران در زمینه منطقه‌ای، تاکنون رویکرد محتاطانه‌ای داشته باشد.

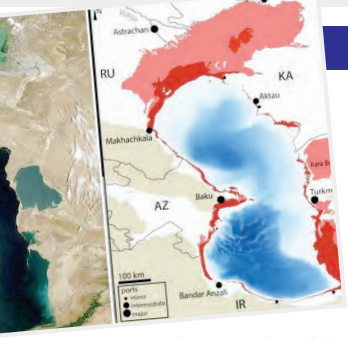
این دیپلمات پیشین کشورمان تأکید کرد: برد موشکی ایران به هیچ وجه قابل مذاکره نیست و ایران در تلاش است توان موشکی و پهپادی خود را تقویت کند؛ چرا که نقطه قوت کشور در جنگ ۱۲ روزه و دیگر تحولات منطقه، همین توانمندی‌ها بوده است. وی در ادامه درباره پیشنهاد‌های ایران برای شفاف‌سازی و همکاری منطقه‌ای گفت: ایران پیشنهاد داده است کنسرسیومی منطقه‌ای تشکیل شود تا کشورهای همسایه مانند امارات و عربستان، در غنی‌سازی صلح‌آمیز ایران مشارکت و نظارت داشته باشند. حتی پیشنهاد شده بود کشورهایی مانند فرانسه نیز به عنوان ناظر حضور داشته باشند، اما طرف مقابل تاکنون پاسخی نداده و اصرار بر توقف غنی‌سازی ایران دارد.

ساتاتیان خاطرنشان کرد: ایران آماده مذاکره است، مشروط بر اینکه طرف مقابل بخواهد گفت‌وگو را بدون تحمیل شروط قبلی آغاز کند. اگر آمریکا بخواهد نظرات خود را دیکته کند، ایران زیر بار آن نخواهد رفت. این موضع رسمی ایران است و بیانگر آمادگی کشور برای مذاکره منطقی و برابر است.

کشور ندارد. مقابله با فساد، پاک‌دستی در عمل و ارائه الگوی زیست اسلامی نیز از رسالت‌های قطعی این مجموعه انقلابی است.

هویت بسیج با سه ویژگی اصلی شناخته می‌شود: اطاعت کامل از ولایت فقیه، ایمان و اخلاص معنوی و بصیرت نسبت به آینده و صحنه نبرد. آنچه امروز بسیج را به نیرویی بی‌بدیل بدل کرده، همین سه رکن است.

آینده انقلاب اسلامی روشن است؛ چون انقلاب بر محور مبارزه شکل گرفته و تا امروز نیز با مجاهدت مردمی تداوم یافته است. در این مسیر، بسیج همان نیروی همیشه بیدار و همیشه حاضر است که تا پای جان پای آرمان‌های انقلاب خواهد ایستاد.



می‌تواند اکوسیستم آن را مختل کند و این گونه نارتازی مدیریتی همان گونه که قالیباف می‌گوید در کشور بیداد می‌کند. مردم ما البته از مدیریتی‌های نادرست کم ضرر به نخورده و به عینه نتیجه تصمیم‌سازی‌های غلط بر بسیاری از عرصه‌های زندگی آن‌ها مشهود است. در میان تأیید و تکذیب‌ها درباره انتقال آب خزر به فلات مرکزی، درک

عواقب منفی چنین پروژه‌ای آن هم در شرایط کنونی اقلیمی چیز عجیبی نیست. دریاچه ارومیه در فاصله نه چندان دور از خزر نفس‌های آخر خود را می‌کشد؛ اتفاقی که قطعاً تصمیم‌های نادرست در بروز چنین فاجعه‌ای حرف نخست را می‌زند. مسئولان ما شاید بخواهند مانند همیشه با پاک کردن صورت مسئله این گونه انمود کنند که می‌خواهند با انتقال آب خزر و تولید برق، نارتازی انرژی را حل کنند ولی باید به تصمیم‌سازان امر توصیه کرد توهمات خود را کنار گذاشته و پیش از رقم زدن فاجعه‌ای دیگر به عاقبت کار خود بیندیشند، نه اینکه پس از اجرایی شدن احتمالی پروژه انتقال آب و بروز مشکل، تصمیم به جلوگیری از آن بگیرند که مطمئناً چنین زمانی بسیار دیر خواهد بود؛ همان گونه که با وجود تشکیل ستاد برطرمطراق احیا، کشتی حیات دریاچه ارومیه به گل نشسته است.

یادداشت

سید جلال امینی
کارشناس مسائل سیاسی

چرا بسیج بنیان گذار عصر جدید اقتدار مردمی شد؟

انگیزه‌های تشکیل بسیج را باید در عظمت اهداف انقلاب اسلامی جست‌وجو کرد؛ انقلابی که از همان آغاز، مرزهای جغرافیایی ایران را درنوردید و موج بیداری را در میان ملت‌های مسلمان و آزادی‌خواه جهان برانگیخت. همین

فراخبر

هدایت جاوید | «نارتازی مدیریتی» از آن کلیه‌واژه‌های جالب است که پنجم آبان در همایش بین‌المللی سرمایه‌گذاری و تأمین مالی در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی مورد تأکید رئیس مجلس شورای اسلامی قرار گرفت. محمدباقر قالیباف گفت: «در حوزه انرژی فسیلی رتبه نخست جهان را داریم ولی نارتازی انرژی داریم؛ مشکل ما کمبود پول نیست، نارتازی ما مدیریتی است.» شاید از خود پرسید خوب این مفهوم چرا مهم است؟ اکنون این خبر را بخوانید: «طی ۱۸ سال گذشته سطح آب دریا ی خزر حدود ۳۶ هزار کیلومتر مربع کاهش یافته است؛ افتی که با عقب‌نشینی محسوس سواحل، به‌ویژه در شمال شرق این پهنه آبی، نگران‌های جدی ایجاد کرده است. کارشناسان هشدار می‌دهند در صورت نبود اقدام هادهنگ، با ادامه کاهش بی‌سابقه آب، خزر هم ممکن است به سرنوشت دریاچه آرال دچار شود». با این اوصاف متأسفانه تمام شواهد و آمارها از روند نزولی سطح آب پهنه زیبای آبی خاطر‌ساز و جذاب خطه شمالی کشورمان حکایت دارد. این مسئله علت‌های مختلف دارد؛ از تغییرات اقلیمی و کاهش بارندگی تا اقدام‌های کشورهای هم‌جوار به ویژه روسیه در ساخت سد در مسیر رودخانه ولگا... و خزر در یک دهه اخیر ۱۸۰ سانتیمتر کاهش تراز آبی داشته که ۶۰ سانتیمتر کاهش در دو سال اخیر رخ داده است. بیش از ۱۳۰ رودخانه به دریا ی خزر می‌ریزند و رود ولگا به عنوان شاه‌رگ حیاتی به تنهایی نزدیک به ۸۵ درصد آب دریا ی خزر را تأمین می‌کند، اما حالا توسط روسیه ۴۰ سد در بالادست ساخته شده و ساخت ۱۸ سد دیگر تا اقی ۲۰۵ در

دست مطالعه است، با توجه به این مسائل اکنون برخی با طرح نظرات بدبینانه می‌گویند شمال ایران ۲۰ سال دیگر می‌خشکد!

بی‌تفاوت به این آمار و ارقام وحشتناک که بیانگر یک فاجعه محتمل است، اخباری به گوش می‌رسد که هوش از سر آدم می‌پراند؛ دولت پروژه انتقال آب دریا ی خزر به کویر مرکزی ایران را در دست اقدام دارد! طبق اخبار منتشر شده در فضای مجازی پس از دو سال سکوت، این طرح جنجالی دوباره با بایگانی بیرون آمده است. اسناد جدید نشان می‌دهد طرح مذکور که با هدف تأمین سالانه ۲۰۰ میلیون مترمکعب آب شرب و صنعتی استان سمنان و تولید ۴۲ مگاوات ساعت انرژی برقایی تعریف شده است، اکنون وارد مرحله تازه‌ای از بررسی شده و جزئیات مسیر آبی و نقشه انشعابات آن نیز نهایی شده است.

نقشه کشیدن‌های برخی مدیران لالیق برای تسریع مرگ پهنه آبی گسترده در شمال کشورمان با به کمال رساندن نارتازی مدیریتی در فضایی است که ۳۰ آبان سال گذشته، رسانه‌ها تصاویر جالبی از دیدار رئیس جمهور جمهوری آذربایجان و همتای روس وی را منتشر کردند. علی‌اف که میزبان پوتین در باکو بود، همتای روس خود را برای قدم زدن به ساحل خزر کشانده و کاهش تراز آن را پیش چشم وی آورد. تصاویر منتشر شده نشان می‌دهد او در پارک «داغ‌وستو» که روی یک